



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۲۰/۰۱/۲۴

محمد داود مومند

مؤسس نهضت و بین زلمیان،

محمد رسول پښتون



مرحوم محمد رسول خان "پښتون" یک سیمای با وقار سیاسی، ادبی، اجتماعی و اخلاقی تاریخ معاصر کشور است، موصوف در ابعاد مختلف شخصیت و کرکتر خود، از عمقی برخوردار بود که کمتر، در شخصیت و کرکتر کسانی که به نهضت و پیش زلمیان تعلق و تمسک داشتند ملاحظه میگردد.

"پښتون" خانی و درویشی را با هم آمیخته بود، موصوف به یک خانواده سرشناس و متنفذ کندهار بزرگ ارتباط داشت، وی از نظر آبایی و اجدادی یک خا، ولی در ساحه حیات اجتماعی خود یک انسان شکسته، متواضع و درویش صفت بود.

موصوف در دوره غازی امان الله، صاحب منصب عسکری و رتبه دگرمنی داشت، وی در عین حالیکه مانند شاخ پر میوه سر بر زمین، انسان متواضع شمرده می شد، در عین حال آدم ضابط و معتقد به ضبط و دسپلین بوده، و از اصول و پرنسیپ های که بدان متعهد بود، عدول نمی کرد.

"پښتون" شاعر، نویسنده، وارد در فقه، صاحب افکار فلسفی و یک شخصیت جرگه مار، اهل جرگه و مرکه بود، این طبیعتاً از زمره خصایص و خصایلی شمرده می شود که باید یک بزرگ قوم و بخصوص رهنمای یک حرکت و نهضت ملی متصف به آن باشد.

"پښتون" به یکی از رفقای حرکت خود که به مقام وزارت و سفارت رسیده بود چنین پیغور میدهد: « شما یک دیپلوم هم ندارید، من ده دیپلوم دارم (منظور پښتون، استعفی نامه هایش بود) شما در خانه های کانکریتی زندگانی دارید ولی من خانه بدوش هستم، شما... ولی من حتی از حقوق تقاعد هم محروم، شما خود را با تقاضاهای وقت و زمان عیار می سازید، ولی من با اصول و باور های خود به خاک خواهم رفت»

شواهد و مدارک نشان میدهد که "پښتون"، تفکر تجدد پسندی و اعتقاد بر آزادی سیاسی را از همان دوره ترقی خواهانه غازی امان الله در سر داشته، آرزوی بنیان گذاری هسته ای را در ذهن می پروراند که مطابق به اقتضات و ایجابات عصر و زمان، زمینه رشد تفکر یک ناسیونالیزم مترقی را مساعد سازد.

"پښتون" در یک یادداشتی که به خسربره خود علامه حبیبی سپرده بود چنین می نگارد: « ریشه تحریک من قبل از سال ۱۳۰۷ ش در کندهار موجود بود و زمان وضع مقررات و کار سازماندهی آن در حدود ده روز قبل از اغتشاش سقوی یعنی آخر سال ۱۳۰۷ ش خواهد بود.

من مرام مشروطه خواهی و تشکیل اتحادیه ای را به رفقای خود پیشنهاد کردم که مورد تصویب قرار گرفت. از جمله متحدین من محمد رفیق خان، میرزا محمد اعظم ایازی، منشی منظور محمد، محمد کریم سر معلم رشدییه، اولیاء الدین خان، مسلم نام معروف و یک عده معلمان و متعلمین مکاتب و غیره بودند.

اینکه نام وین زلمیان از طرف کدام شخص پیشنهاد شده، این جانب، نویسنده این سطور معلومات دقیقی ندارم، ممکن توضیح آن در کتاب «وین زلمیان» استاد بینوا منتشره سال ۱۳۲۶ ش که به دسترس من قرار نگرفته توضیح شده باشد، امیدوارم اگر مؤرخ سیستمی در زمینه معلوماتی داشته باشند، آن را با هموطنان شریک سازند.

به گواهی تأریخ و اسناد و مدارک، زعامت حرکت وین زلمیان در حوزه کندهار بزرگ، در دست محمد رسول خان پښتون و در سمت مشرقی «لغمان، کنرها، ننگرها» و کابل در دست غلام حسن خان صافی که یک شخصیت جسور، جذاب، جنجالی، هشیار و موقع شناس بود، قرار داشت، ولی مسلم است که ابتکار عمل در دست پښتون صاحب قرار داشت و غلام حسن خان صافی همنوایی و هم آهنگی خود را به وی ابراز داشته بود.

مرحوم غلام حسن خان صافی، سال های بسیار قبل کتابی تحت عنوان «حضرت صاحب شور بازار کیست» به دست نشر سپرد که موجب جنجال فراوان گردید و صافی مدتی نیز به زندان رفت.

شاغلی عبدالصمد افشاری کندهاری در یک مقاله منتشره «اخبار کابل» سال ۱۳۶۸ ش به روایت یک یادداشت علامه حبیبی، که حبیبی از کتاب اتو بیوگرافی پښتون نقل قول نمود، در زمینه چنین می نویسد: «... آقای صافی درین مفکوره از سابق از جانب من ملهم شده بود، در سال ۱۳۱۲ هـ ش که من در مزار شریف در عمله جناب محمد گل خان مهمند وزیر داخله با ایشان یکجا بودم و آن وقت هم نزد من این هدف موجود بود، همیشه این قبیل موضوعات و مباحث را طرح می کردم و بخصوص آقای صافی را ... زیادتیر تحریک می نمودم...»

در سال ۱۳۲۶ هـ ش موقعی که من به حیث رئیس شرکت ایجنسی از چمن به پیشاور رفته بودم، آقای غلام حسن خان صافی نیز از مرکز به پیشاور آمده در هتل «دینز» باهم یکجا شدیم بین خود نشستیم، برای تأسیس یک حزب عمومی در داخل کشور صحبت نمودیم و قرار برین شد که او در ولایت مشرقی که خانه اش در آنجاست و کابل که در آنجا مأموریت دارد و من در ولایت کندهار به تحریک حزب مورد نظر پرداخته، هر زمانی که زمینه را مساعد نمودیم، جلسه ثانی نموده و حزب را تأسیس می نماییم.»

از این یادداشت ها استنباط می گردد که عقیده، هدف و مرام تشکیل این جمعیت ملی و مشروطه خواه، خیلی پیش از سال ۱۳۲۵ هـ ش به وجود آمده بود.

همچنان ادمسکو موسیل و دیوود گانکوفسکی در صفحه ۲۹ کتاب تحت عنوان «تاریخ نوین افغانستان» می نویسند: «در سال ۱۹۴۷ سازمان سیاسی ایجاد گردید که به نام وین زلمیان شهرت یافت. در این سازمان سیاسی در حدود نو صد نفر، متعهد شده بودند و از لحاظ موقف اجتماعی و طبقاتی خود گوناگون بودند. در صف این جنبش نمایندگان خورده بورژوازی، مأمورین، روشنفکران و روحانیون نیز شامل بودند، رهبر این جنبش محمد رسول خان پښتون یک تن از زمینداران قندهار بود.»

نهضت و بین‌زلمیان در دوره دیموکراسی و آزادی‌های مؤقتی شاه محمود خان غازی که میتوان او را پدر دیموکراسی در کشور شمرد، در فرصتی که استاد بینوا کتاب و بین‌زلمیان را در سال ۱۳۲۶ ش منتشر ساخت رسماً به فعالیت آغاز نمود. اهداف سیاسی این حرکت مترقی که میتوان آن را تداوم منطقی مشروطه اول و دوم قلمداد نمود همانا استقرار نظام شاهی مشروطه، تفکیک قوای ثلاثه دولت، آزادی مطبوعات، انتخابات آزاد و دیموکراتیک و مبارزه با استبداد و سیاست‌های تبعیضی طبقات حاکمه بود.

اسامی یک تعداد مشمولین این حرکت قرار ذیل است:

محمد رسول "پښتون" مشر حرکت، غلام حسن خان صافی، استاد الفت، سید شمس‌الدین مجروح، علامه شکور رشاد، علامه عبدالحی حبیبی، فیض محمد انگار، ارسلان سلیمی، عبدالعزیز خاوری، موسی شفیق، استاد خادم، حاکم ناصر خان مومند، محمد ابرائیم خواخوری، آغا محمد کرزی، غلام محمد خان پوپل، محمد ظاهر صافی، نیک محمد پکتیانی، محمد انور خان اڅکزی، قاضی عبدالصمد، نور محمد قاضی خیل، فتح محمد ختگر، صوفی ولی محمد، غلام دستگیر پوپل، استاد رشتین، عبدالخلق واسعی، محمد علی هوتک، نور احمد شاکر، عبدالرزاق فراهی، محمد حسن ریدی، خدای دوست خان، محمد نور علم، ظهور الله همدرد، مولوی عبیدالله صافی، محمد علم بخرکی، داکتر نور احمد بریخ، عبدالصمد ویسا، گل شاه صافی، غلام محی‌الدین زرمالوال، وکیل نور محمد خان، محمدر فیک ناصر پسر نایب‌سالار غلام‌نبی خان ناصری، عبدالمنان دردمند، داکتر عبدالرحمن محمودی، عبدالهادی بحر، آصف پاس یوسفی، قاضی بحرام اڅکزی، عبدالسلام بارکزی، حاجی خدای دوست، میرزا پیر محمد بارکزی، نور محمد تره کی و غیره. غالباً نور محمد تره کی از طرف کی جی بی به این کار گماشته شده بود.

ارگان نشراتی و بین‌زلمیان به نام (انگار) مسمأ بود که از طرف یکی از مؤسسان حرکت و بین‌زلمیان یعنی مرحوم فیض محمد خان انگار نشر میشد.

در نتیجه دوره انتخابات هفت شوری علامه حبیبی از کندهار، استاد الفت از مشرقی و نور محمد خان از پنجوایی به پارلمان راه یافتند. جلسه اول شوری به تاریخ هفتم جون سال ۱۹۴۹ منعقد شد.

در این دوره غلام محمد غبار، سید محمد دهقان، داکتر محمودی، خال محمد خسته، سید اسمعیل بلخی، نور علم مظلوم یار و نوات دیگر مترقی و انقلابی به شوری راه یافت. ناگفته نماند که نویسنده این سطور، سید محمد دهقان را در سال‌های بعدی در منزلش واقع شیرشاه مینه ملاقات نموده بودم و موصوف، شباهت بیشتر به یک شخصیت مجنوب، روحانی، درویش و فقیر مشرب را داشت تا به یک شخص سیاسی.

حکومت شاه محمود خان غازی در دوره هفت شوری؛ از یگانه شخصیتی که از شمولیتش در شوری جلوگیری به عمل آورد، زعیم پښتون تبار کشور، محمد گل بابا یعنی کسی که قهرمان نجات کشور، غازی محمد نادر خان او را برادر پنجم خود می دانست، در حالیکه شاه محمود خان غازی شخصاً به یک شخصیت سیاسی چپ‌گرا یعنی میر غلام محمد غبار رأی داده بود. در دوره هشتم شوری، حکومت از شمول علامه عبدالشکور رشاد و در دوره نوازدهم، حکومت اعتمادی از شمول شهید میوندوال به پارلمان کشور با سفاقت تمام جلوگیری بعمل آورد.

حامیان غبار مدعی اند که با او نیز در زمینه بی‌انصافی به عمل آمده است، الغیب و عندالله

یک عده نواتی که در دوره صدارت سردار داؤد خان که بعضی‌ها آن را دوره استبداد منور مینامند، بدون محاکمه، تبعید و زندانی‌گردیدند عبارت اند از: مشر نهضت محمد رسول خان پښتون، آمر نشراتی ارگان نشراتی، فیض محمد انگار، عبدالهادی خان توخی، قاضی بهرام خان، حاجی محمد انور خان اڅکزی، حاجی غنی خان، محمد علم بخرکی و غیره.

نگارنده این سطور، سعادت معرفت پښتون صاحب را در سال ۱۳۴۶ توسط استاد قدرت الله حداد حاصل نمودم و من و برادر مرحوم هفته‌ی یکی دو بار به خدمت‌شان می‌شتافتیم و از مصاحبت و مجالست‌شان اکتساب فیوض می‌نمودیم و بسا اوقات با ایشان در منزل‌شان غذا صرف می‌نمودیم.

جناب پښتون صاحب نیز، وقتاً فوقتاً همراه با آغا محمد خان کرزی و غیره دوستان به منزل ما تشریف می آوردند. نواتی که دایم و تقریباً یومیه به ملاقات پښتون صاحب می شتافتند عبارت اند از: پوهاند رحیمی رئیس اسبق پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، استاد قدرت الله حداد، آغا محمد خان کرزی و یک عده نوات دیگری که اسمای گرامی شان به خاطر نمانده. من در پشاور توسط برادر مرحوم که به تکلیف سرطان جگر مصاب بود، اطلاع یافتم که در سال های اخیر حیات پښتون صاحب، روابط پښتون صاحب با آغا محمد خان کرزی کاملاً برهم خورد، بدین معنی که آغا محمد خان کرزی ضمن یک مشاجره و اختلاف نظر سیاسی، پښتون صاحب را خلاف تمام موازین اخلاق و مکارم متعارف افغانیت چنان دشنام غلیظ داده بود که در قاموس پښتونولی از آن بوی خون می آید. بعد از شنیدن و استماع این روایت، ارادت من به آغا محمد خان به صفر تقرب نمود. چنانکه فرموده شاعر در زمینه مصداق کلام است که:

بدل گفتم کدامین شیوه دشوار است در عالم

نفس در خون تپید و گفت پاس آشنایی ها

آغا محمد خان کرزی از دوستان و رفقا بسیار نزدیک و صمیمی نور محمد تره کی که مطبوعات شوروی او را (نور محمد ترقی) می نامیدند شمرده میشد.

منزل تره کی ملعون در شیر شاه مینه در مجاورت منزل قرار داشت و معمولاً میدیدم که آغا محمد خان کرزی با نور محمد تره کی با همدیگر، دیگرانه، چکر و قدم میزدند، ولی فکر نمی کنم که آغا محمد خان با تره کی روابط حزبی استوار کرده باشد. روی همچو روابط و علایق صمیمانه فوق الذکر بود که آغا محمد خان کرزی در دوره نور محمد تره کی به حیث معین وزارت قبایل ایفاً وظیفه می نمود.

واقعیت امر این است که پروژن ترین و دانشمندترین شخصیت خانواده معروف و بزرگ خاندان کرزی و بخصوص، معین صاحب خیر و جان، همانا حبیب الله خان کرزی مدیر عمومی سیاسی وزارت امور خارجه بود و بس.

قابل تذکر است که در تحریر این مطالب از یک سلسله نوشته های قلمی که مدت بیست سال قبل توسط فرزند هنرمند پښتون صاحب به نام نصیر هنر پښتون در اختیارم گذاشته شده بود، استفاده به عمل آمده است.

روح آن بزرگان وطن قرین رحمت ایزدی باد. با عرض حرمت

****** * * * * ***

یادونه:

که چیری گران لوستونکی و غواری چی د دی معززی لیکونکی مقالی هم ولولی، نو کولای سی چی، پر انځور بانندی د «کلیک» په اجرا کولو سره د لیکونکی مقالی د «آرشیف» فهرست ته، لار بنودنه تر لاسه کړی!

محمد رسول پښتون مؤسس نهضت و بین زلمیان